



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 3. Autumn 2024

Received date: 2022.08.09

Acceptance date: 2023.10.07



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.3.8.2

Comparison of New Intellectuals in the Ottoman Constitutional Movements: The Young Ottomans and the Young Turks

Hamid Ahmadi¹, Buşra Erimli²



Abstract

The new intellectual class that emerged in the Ottoman Empire in the 19th century under the influence of Western philosophy demanded radical political and economic transformations. The intellectuals, under the names of the Young Ottomans and the Young Turks, were organized with the aim of preventing the collapse of the Ottoman Empire by establishing a constitutional government. In this research, the change of the intellectual class in the Ottoman Empire was investigated with historical comparative method. This study will contribute to the examination of the history of modernization, opposition and parliament in the Ottoman Empire by revealing the evolution and transformation of the first organizations of opposition intellectuals. The results of the research show that the Young Turks were inspired by the activities and associations of the Young Ottomans, but their ideologies were very different from each other. The Young Ottomans were influenced by the philosophy of the Age of Enlightenment, while the Young Turks were influenced by the philosophy of biological materialism and positivism. The ideological differences of these groups stemmed from their social status, education background, and the political conditions of the period in which they lived. The Young Ottomans and Young Turks tried to combine their ideas with Islamic and Western philosophy to be accepted by society. While the Young Ottomans were successful to some extent in this regard, the philosophy adopted by the Young Turks did not allow this unification.

Keywords: Young Ottomans, Young Turks, Ottoman Intellectuals, Ottoman Constitutionalism, Intellectual Movements.

1 - Professor, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 - Phd. candidate, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی (۱۱۷)، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۳۸.۲

نوع مقاله: پژوهشی

مقایسه روشنفکران جدید در جنبش‌های مشروطه عثمانی: عثمانیان نو و ترکان جوان^۱

حمید احمدی^۲، بشری اریملی^۳



چکیده

طبقه روشنفکر جدید که با نفوذ اندیشه غربی بر امپراطوری عثمانی در قرن نوزدهم شکل گرفتند، خواستار دگرگونی‌های بنیادی سیاسی و اقتصادی بودند. روشنفکران، برای جلوگیری از فروپاشی عثمانی به واسطه ایجاد حکومت مشروطه، به‌عنوان عثمانیان نو (عثمانیان جوان) و ترکان جوان سازماندهی شدند. پژوهش حاضر با روش تطبیقی تاریخی به بررسی تغییر طبقه روشنفکر در امپراطوری عثمانی پرداخته است. این مطالعه با مطرح کردن تحول و دگرگونی در اولین سازمان‌های روشنفکران مخالف، به تحلیل تاریخ مدرن‌سازی، اپوزیسیون و پارلمان در عثمانی کمک خواهد کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترکان جوان از فعالیت‌ها و انجمن‌های عثمانیان نو الهام گرفته بودند اما ایدئولوژی آنها با یکدیگر بسیار متفاوت بود. عثمانیان نو تحت تأثیر فلسفه عصر روشنگری و ترکان جوان تحت تأثیر فلسفه ماتریالیستی بیولوژیکی و اثبات‌گرایی قرار گرفتند. مشابه نبودن اندیشه این گروه‌ها، تفاوت‌های موقعیت اجتماعی، پیشینه تحصیلی و تفاوت در شرایط سیاسی در دوران آنها، دلایل اصلی این موضوع بوده است. عثمانیان نو و ترکان جوان برای پذیرفته شدن توسط جامعه تلاش کردند تا اندیشه‌های خود در اسلام و اندیشه غرب را ترکیب کنند؛ در حالی که عثمانیان جدید در این زمینه تا حدودی موفق بودند، فلسفه اتخاذ شده توسط ترکان جوان اجازه این ترکیب را نمی‌داد.

واژگان کلیدی: عثمانیان نو، ترکان جوان، روشنفکران عثمانی، مشروطه عثمانی، جنبش‌های روشنفکر.

۱ - این مقاله از پایان‌نامه دکتری نویسنده دوم مستخرج شده است.

۲ - استاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳ - دانشجوی دکتری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

عثمانیان به دلیل غنیمتی که از فتوحات به دست آورده‌اند، همواره بر پایه اندیشه خودکفایی برنامه‌ریزی شده‌اند (Lewis, 1968: 27; Shaw, 1977: 1/172). اولین شکست بزرگ عثمانی در برابر اتحاد مقدس و معاهده با شرایط سنگین پیمان کارلویتس (۱۶۹۹ م.) ثابت کرد که عثمانیان از اروپا عقب مانده‌اند. پس از این تاریخ اصلاحاتی به سبک اروپایی انجام شد که در این روند عثمانیان امتیازات زیادی به اروپا اعطا کردند. در سال ۱۸۳۹-۱۸۷۶ با تلاش رشید پاشا، مجموعه‌ای از نوآوری‌های رادیکال به نام تنظیمات برای جلب حمایت اروپا^۱ و جلوگیری از جنبش‌های جدایی‌طلبانه در میان غیر مسلمانان، مورد توافق قرار گرفت. با این نوآوری‌ها برای غیر مسلمانان برخی حقوق در نظر گرفته شد که تبعه مسلمان به آن اعتراض کردند. قوانین جدید، اختیارات بوروکرات‌ها را گسترش داد و باعث تضعیف درباریان در برابر بوروکرات‌ها شد.

جنگ روسیه، زمینه اعلام فرمان اصلاحات را فراهم کرد که این فرمان برخی حقوق غیر مسلمانان را به رسمیت می‌شناخت (Berkes, 2004, 2016; Davison, 1963: 53). فرمان (۱۸۵۶) که توسط علی پاشا تنظیم شده بود، موجب تقویت جایگاه غیر مسلمانان شد اما هیچ مزیتی برای مردم مسلمان نداشت، بالعکس به دلیل تضمین تجارت غیر مسلمانان، مسلمانان در رقابت با آنان دچار مشکل شدند. به این ترتیب مخالفت جدی در برابر باب عالی ظهور کرد. جمعیتی متشکل از علما، نظامیان و بوروکرات‌ها به سرکردگی یکی از اساتید مکتب به نام شیخ احمد گردهم آمده و برای انجام سوءقصد به جان سلطان عبدالمجید و جانشین کردن عبدالعزیز برنامه‌ریزی کردند. این حرکت شکست خورد، اما الگویی برای جمعیت عثمانیان نو شکل گرفت که از اولین مخالفان سازمان یافته در میان روشنفکران بود. خواسته عثمانیان نو، سرکار آمدن اداره مشروطه برای پایان دادن به اقتدار باب عالی بود. در نتیجه، قانون اساسی در سال ۱۸۷۶ اعلام شد ولی نمی‌توان گفت آنها به همه اهدافشان رسیدند زیرا در سال ۱۸۷۸، عبدالحمید دوم به بهانه جنگ روسیه مجلس را تعطیل کرد.

در دوره استبداد عبدالحمید برای تحت کنترل نگه داشتن تمام زمینه‌ها، اقداماتی از جمله سانسور مطبوعات اجرا شدند که این سیاست وی منجر به جنبش ترکان جوان شد. ترکان جوان یک انجمن

۱ - در این دوره، پالمرستون (Palmerston) وزیر خارجه انگلستان، در برابر تهدید روسیه، از تمامیت ارضی عثمانی دفاع کرد. با تلاش‌های مصطفی رشید پاشا، در خصوص اهمیت استقلال و تمامیت ارضی دولت عثمانی قانع شد. پالمرستون معتقد بود که برای این امر، امپراطوری عثمانی باید اصلاحاتی را انجام دهد (Temperley, 1963: 163).

اپوزیسیون موثر به‌عنوان انجمن اتحاد و ترقی را تشکیل دادند. این انجمن از زمان تشکیل اولین هسته خود در سال ۱۸۸۹ تا انقلاب ۱۹۰۸ یک سازمان مخفی بود، بنابراین اطلاعات زیادی در مورد آن وجود ندارد (Hanioglu, 1995: 4). ترکان جوان با الگوبرداری از عثمانیان نو سازماندهی شده بودند و اهدافشان یکی بود اما متفکرانی که آنها دنبال می‌کردند متفاوت بودند.

اهمیت ترکان جوان و عثمانیان نو در تاریخ عثمانی این است که برای اولین بار مخالفت سیاسی روشنفکران را سازماندهی و از رسانه‌های جمعی در فعالیت‌های خود استفاده کردند. آنها همچنین سعی کردند اسلام را با تفکر مدرن غربی ترکیب کنند و این اولین نمونه از این نوع سنتز نظام‌مند در عثمانی بود. دلیل دیگری که این دو جنبش را مهم می‌سازد این است که برای اولین بار اصلاح سبک غربی از سوی حکومت نبود، بلکه از سوی طبقه روشنفکر جدید بود. اکثر این روشنفکران در مدارس تحصیل کرده بودند که چارچوب اصلاحات غربی در آنها تأسیس شده بود. به همین دلیل، می‌شد تأثیرات اصلاحات سبک غربی امپراطوری عثمانی بر نسل جدید را دید. به نوعی این شرایط شبیه به ایران بود که در آن مشروطه یکی از نتایج اصلاحات به سبک غربی بود.

در این مطالعه، از روش مقایسه شباهت و تفاوت که یکی از روش‌های مقایسه تحلیلی است، با هم استفاده شده است. در این راستا، برای نشان دادن دگرگونی طبقه روشنفکر جدید، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو گروه روشنفکر حامی مشروطه در امپراطوری عثمانی (عثمانیان نو و ترکان جوان)، با از استفاده از منابع اولیه و ثانویه ارزیابی ارائه می‌شود.

پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

مطالعات تاریخی زیادی در مورد عثمانیان نو و ترکان جوان وجود دارد. با این حال، در برخی مطالعات اشتباهات، تناقضات و نقصان اطلاعات وجود دارد. یکی از اشتباهات این است که ترکان جوان را ادامه عثمانیان نو می‌شمردند. منبع اثبات این اشتباه «نظریه تاریخ ترک» است که در سال ۱۹۳۰ با تشویق مصطفی کمال آتاتورک ایجاد شد. کتاب درسی خطوط اصلی تاریخ ترکیه که در دوره دبیرستان تدریس می‌شود یکی از متون پایه این نظریه است (Maarif Vekâleti, 3/1931: 139-141). دلیل دیگر اشتباهات در مورد عثمانیان نو ناشی از مقالات ابوالضیاء است که به نام «دلیل ظهور عثمانیان نو» در روزنامه «ینی تصویر افکار» در ۱۹۰۹ منتشر شد. ابوالضیاء از عضو عثمانیان نو بود و در مقالات اطلاعات مهمی در مورد عثمانیان نو ارائه داد اما در کتابش برخی تناقضات وجود دارد. یک اثر دیگر با عنوان «نامق کمال:

در میان مردم و رویدادهای عصر خود» است که مدحت جمال کونتای^۱ آن را تألیف کرد. این کتاب فقط در خدمت جمع‌آوری پدیده‌ها بوده و به همین دلیل از ایجاد ارتباط بین این پدیده‌ها در یک کل غافل مانده است. مورخان غربی نیز در آثار خود اطلاعات کافی در این زمینه ارائه نکرده‌اند. ماردین در مطالعات غرب اشاره می‌کند که دلیل قبول مشروطه تأثیرات اصلاحات و فشار غرب بوده و بسیار سطحی از عثمانیان نو صحبت کرده است (Mardin, 2000: 5).

دقیق‌ترین و صحیح‌ترین اثری که در این زمینه نوشته شده، کتاب «تولد تفکر جدید عثمانی» است که شریف ماردین^۲ آن را نوشته است. وی با استفاده از منابع دست اول مانند روزنامه‌ها و مجلات، در ابتدا شکل‌گیری افکار عثمانیان نو را توضیح داده و در ادامه اندیشه‌های سیاسی هر یک از عثمانیان نو را تحلیل کرده است.

کتاب شکرو هانی اوغلو^۳ با عنوان «دکتر عبدالله جودت، یک متفکر سیاسی و دوره وی» یکی از منابع قابل توجه در مورد ترکان جوان است. در این کتاب آشکار می‌شود که چگونه تفکر غربی «ماتریالیست-ارگانیست-داروینیست»^۴ بر ترکان جوان تأثیر گذاشته است. کتاب دیگر هانی اوغلو با عنوان «یک سازمان سیاسی: کمیته عثمانی اتحاد و ترقی و ترکیسم جوان (۱۸۸۹-۱۹۰۲)» نیز در مورد انجمن ترکان جوان اطلاعات مهمی را ارائه می‌دهد. کتاب دیگر که ماردین با عنوان «اندیشه‌های سیاسی ترکان جوان (۱۹۰۸-۱۸۹۵)» نوشته است، با اشاره به دشواری تحلیل اندیشه به دلیل ماهیت نظری ترکان جوان، تلاش کرده تا حد امکان افکار آنها را با جزئیات تجزیه و تحلیل کند.

منابع دست اول مانند خاطرات و مقالات منتشر شده توسط ترکان جوان مهم‌ترین منابع مورد استفاده در مطالعات هستند. ابراهیم تمو^۵ که اولین رئیس انجمن و از بنیان‌گذاران انجمن اتحاد و ترقی بود، در زندگی‌نامه خود از «خاطرات اتحاد و ترقی» می‌گوید. کتاب احمد کوران که از ترکان جوان بود، با عنوان «تاریخ انقلاب ما و ترکان جوان» منبع مهمی است که با دقت تهیه شده است. در این تحقیق از منابع اولیه مانند این آثار و برخی مقالات روزنامه استفاده شده است اما کافی نیستند زیرا محدودیت مطالعه امکان تحلیل عمیق را نمی‌دهد.

1 - Mithat Cemal Kuntay

2 - Şerif Mardin

3 - Hanioglu

4 - Materialist-Organist-Darwinist

5 - İbrahim Temo

روش این پژوهش، روش تطبیقی تاریخی است که محققان برای شفاف کردن واحدهای اجتماعی از این روش استفاده می‌کنند (Ragin, 2014; Mahoney & Rueschemeyer, 2003; Przeworski, 2000). این روش متکی بر کتاب «یک سیستم منطقی» (۱۸۴۳ م.) نوشته جان استوارت میل است. میل، چهار روش مقایسه مختلف اشاره می‌کند که دو مورد از این روش‌ها مقایسه تفاوت‌ها و روش‌ها و مقایسه مشابهت‌ها است. تدا اسکاچپل^۱ (۲۰۰۴: ۸۵) در کتاب «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی» بیان کرده که استفاده از روش تفاوت و شباهت در کنار هم هنگام مقایسه نتایج دقیق‌تری به دست می‌دهد. در این پژوهش نیز به همین ترتیب از روش مقایسه تفاوت و شباهت با هم استفاده شده است.

مشکلات اصلی در روش‌های تحقیق تطبیقی تاریخی ناشی از ماهیت ناقص داده‌های تاریخی، پیچیدگی و مقیاس نظام‌های اجتماعی است. بنابراین محدودیت‌های مطالعه و انتخاب داده‌ها بسیار مهم است. در این پژوهش برای مقایسه، فقط اعضای برجسته عثمانیان نو و ترکان جوان انتخاب شدند زیرا تعداد اعضای هر دو گروه معلوم نیست و در آن دوران هر کسی که با دولت مخالفت می‌کرد، عثمانی نو/ترکان جوان نامیده می‌شد. جنبش عثمانیان نو پس از حدود ۵ سال خاتمه یافت، ولی جنبش ترکان جوان تا پایان امپراطوری عثمانی ادامه یافت. در واقع آنها زیر سایه سایر احزاب سیاسی سازماندهی شدند به همین دلیل اندیشه‌ها و اعمال ترکان جوان، بین سال‌های ۱۹۰۸-۱۸۹۵ بررسی شده است. یکی دیگر از دشواری‌های این پژوهش نیز تفاوت‌های زیاد در افکار اعضای گروه‌ها است که باعث می‌شود افکار آنها در چارچوب خاصی قرار نگیرد. به همین دلیل، ویژگی اصلی عثمانیان نو و ترکان جوان در این مطالعه آورده شده و تحلیل عمیقی انجام نشده است.

در ابتدای پژوهش تاسیس و ساختار انجمن‌ها عثمانیان نو و ترکان جوان تحلیل شده است. سپس اندیشه‌ها و اعمال اعضای برجسته بررسی و در نهایت تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها مقایسه شده‌اند.

تشکیل انجمن عثمانیان نو

به دلیل ناآرامی‌های ناشی از مطالبات جدایی‌طلبانه غیر مسلمانان در منطقه بالکان، حرکت امپراطوری به سمت کنترل اوضاع توسط بیگانگان و بحران اقتصادی، واکنش‌هایی از سوی طبقه روشنفکران، علما، نظامیان و محافل مختلف مردم نسبت به دربار و باب‌عالی بروز کرد. طبقات مزبور، اصلاحات تنظیمات، به‌ویژه امتیازات اعطا شده به مسیحیان، بوروکرات‌های باب‌عالی و علی‌پاشا را مسئول وضعیت بد

موجود در امپراطوری می دانستند (İnalçık, 1964a: 622). طبقات مختلف نام برده برای بازگرداندن قدرت سابق به عثمانی، جلوگیری از سقوط امپراطوری، تامین رفاه مردم مسلمان و بهبود وضعیت خود، اقدام به ایجاد سازمان‌هایی کردند.

مهم‌ترین و اولین مخالفت سازمان یافته، جمعیت اتفاق حمیت بود که بعدها به انجمن عثمانیان نو تبدیل شد. این سازمان از طرف گروهی از جوانان منسوب به طبقه روشنفکران جدید در سال ۱۸۶۵ تأسیس شده بود. اکثر بنیانگذاران جمعیت از بوروکرات‌هایی بودند که در اتاق ترجمه باب عالی آن دوره کار می‌کردند و به همین دلیل از ساختارهای دولتی و نظام‌های سیاسی کشورهای اروپایی آگاهی زیادی داشتند (Mardin, 2000: 11).

ابوالضیاء توفیق (همان: ۷۸) موضوع اصلی و هدف جمعیت را چنین خلاصه می‌کند: «از بین بردن قدرت مطلقه پادشاهی، اتخاذ تدابیر لازم برای جایگزینی اداره مشروطه، تأسیس سازمانی سری برای تحقق بخشیدن به این تدابیر، الگوی نحوه سازماندهی این انجمن، «انجمن کاربوناری»^۱ بوده است. آیت‌الله بیگ اسناد و کتب مربوط به انجمن کاربوناری که در ایتالیا تأسیس شده بود و تعدادی انجمن مخفی که در لهستان تأسیس شده بود را آورده و اساس‌نامه انجمن بر اساس آن شکل گرفته است. در این ساختار که در واحدها سازماندهی شده، هدف این است که یک نظم کاری داشته باشد که در آن هر یک از اعضا نتواند عضوی غیر از اعضا و رئیس واحد خود را بشناسد. در هر واحد ۷ نفر با احتساب رئیس واحد حضور داشتند که با گذشت زمان اعضای این مجموعه به ۲۴۵ نفر رسید (همان: ۷۹-۷۷). در این دوره تحولی مهم برای انجمن اتفاق حمیت رخ داد. مصطفی فاضل پاشا نوه محمدعلی پاشا که قرار بود خدیو مصر شود، از ارث محروم شد. در پی این اتفاق، مصطفی فاضل پاشا اعلام کرد که رهبر گروه مخالف دولت به نام «ترکیه جوان» است. فاضل پاشا بیان کرد که اروپائیان تصور می‌کنند که فقط مسیحیان مورد ظلم واقع می‌شوند و در بدبختی زندگی می‌کنند، در حالی که مردم مسلمان نیز در همین وضعیت قرار دارند و به دلیل اینکه حامی ندارند، به نسبت مردم غیر مسلمان در وضعیت وخیم‌تری قرار دارند. به نظر وی برای تامین نظم و امنیت ملت‌ها، آزادی و کلیه حقوق ملت می‌بایست تحت ضمانت دولت باشد.

1 - Carbonari

انجمن مخفی انقلابی که در ایتالیا فعالیت می‌کرد و هدف اصلی آن شکست استبداد و ایجاد حکومت مشروطه بود.

نامق کمال، علی سعاوی و ضیاء پاشا که هر یک مخالفان قدرتمندی در برابر باب عالی بودند و به همین دلیل مجازات شدند، از طرف مصطفی فاضل پاشا به پاریس دعوت شدند. مصطفی فاضل پاشا در نامه‌ای که پیش‌تر به سلطان نوشته بود عنوان کرده بود که نجات عثمانی از طریق اداره مشروطه و قوانین آزاد تحقق می‌یابد (Ebuziyya Tevfik, 2004: 27-43). انجمن مخالف موسوم به انجمن عثمانیان نو یا انجمن عثمانیان جوان نیز با پذیرش اصول نامه پاشا، در پاریس تأسیس شد (Davison, 1963: 213-214).

اعمال انجمن عثمانیان نو

عثمانیان نو اولین بار از ابزارهای ارتباط جمعی برای جلب توجه افکار عمومی استفاده کردند (Mardin, 2000: 4). اخبار مربوط به شورش گرید در سال ۱۸۶۷ در روزنامه تصویر افکار به سردبیری نامق کمال و روزنامه مخبر به سردبیری علی سعاوی، در ابتدا نمونه‌ای از مخالفت معتدل را به نمایش گذاشتند (Ebuziyya Tevfik, 2004: 44-46). به دلیل مقاله علی سعاوی که به شکلی شدیدتر به انتقاد از تخلیه قلعه بلگراد پرداخته بود، روزنامه مخبر به مدت یک ماه توقیف شد. فیلیپ افندی صاحب روزنامه تصویر افکار در مقاله خود مطرح کرده بود که در صورت پاسخگو بودن بوروکرات‌ها در مقابل «مجلس ملی» یعنی به واسطه اداره مشروطه، می‌توان راه‌حلی یافت (Mardin, 2000: 26). نامق کمال در همین شماره مقاله «مسئله شرق» را در انتقاد از دخالت اروپایی‌ها در موضوع گرید منتشر کرد. در پی این اتفاقات، علی پاشا، قرارنامه‌ای را اعلام کرد که در آن سانسورهای شدیدی برای مطبوعات وضع کرده بود (Ebuziyya Tevfik, 2004: 55; Kudret, 2000: 6-7).

مصطفی فاضل پاشا پس از نزدیکی به علی پاشا و بازگشت به استانبول، نگاه مثبتی نسبت به مخالفت سخت عثمانیان نو نداشته است. در سال‌های دهه ۱۸۷۰، پیوندهای گروه ضعیف و رو به فروپاشی رفت (Davison, 1963: 218). در پی مرگ علی پاشا در سال ۱۸۷۱ عثمانیان نو به کشور عثمانی بازگشتند. پس از اعلام سلطنت مشروطه و تصویب قانون اساسی، عثمانیان نو گمان کردند که به هدف خود رسیده‌اند، اما مشخص شد که فریب خورده‌اند. عبدالحمید قانون اساسی را پذیرفت تا به کشورهای خارجی نشان دهد که امپراطوری عثمانی در حال توسعه است، اما برخی از مواد قانون اساسی طبق خواست شاه تنظیم شد که در آن تنها ویژگی واقعی قانون اساسی حذف شده بود (Berkes, 2004: 331). طبق ماده ۱۱۳ درج شده در قانون، پادشاه قادر است هر فردی را که به او اعتماد ندارد تبعید کند. جلال‌الدین پاشا (۱۹۸۳: ۲۰۳-۲۰۴) این ماده را «استبداد در درون حکومت مشروطه» توصیف می‌کند. نماینده انگلیس در کنفرانس استانبول هم به مدحت پاشا گفت: «تا زمانی که این ماده وجود دارد، قانونی

که شما وضع کرده‌اید هیچ حکمی نخواهد داشت» و یادآور شد که این ماده با مشروطه سازگاری ندارد (همان: ۲۱۲). مدحت پاشا بعدها از مقام صدارت برکنار و براساس ماده ۱۱۳ تبعید شد. برخی از اعضای عثمانیان نو، از جمله نامق کمال، و مخالفان نیز براساس ماده ۱۱۳ تبعید شدند. ضیاء پاشا به عنوان والی سوریه منتصب شد. علی سعاوی در حمله به قصر چراغان برای به سلطنت رساندن مجدد مراد پنجم در سال ۱۸۷۸ کشته شد. بسیاری از اعضای جنبش عثمانیان نو نیز منفعل شدند؛ به این ترتیب جنبش پایان یافت. در جلسه مجلس مبعوثان در ۱۴ فوریه ۱۸۷۸ فرمانی در مورد تعطیلی مجلس عمومی توسط عبدالحمید دوم قرائت شد و دوره استبداد شروع شد. دوره استبداد منجر به پیدایش جنبش قوی‌تری از عثمانیان نو شد که آن «انجمن ترکان جوان» بود.

افکار عثمانیان نو

عثمانیان نو دارای برنامه‌ای واضح و مفصل نبوده و از نظر فکر اختلافاتی داشتند. ماردین در بین عثمانیان نو به چهار گروه جداگانه اصلاح طلب اشاره می‌کند. به نظر ماردین (۲۰۰۰: ۷۹)، اولین گروه اصلاح طلب متشکل از محمد بیگ، خلیل شریف و مصطفی فاضل بود که اندیشه توسعه لیبرال را پذیرفته بودند. گروه دوم به سرکردگی نامق کمال بر اندیشه‌هایی مانند «آزادی» و «ملت» تاکید نموده و طرفدار مجلس نمایندگان بود. گروه سوم به رهبری علی سعاوی، منسوب به علما، صدای طبقه مخالفان کم‌درآمد بود. نماینده گروه چهارم نیز ضیاء پاشا بود که منسوب به دربار بود و مسئله اصلی آن با وزرای باب عالی بود. اگرچه تفاوت‌هایی بین آنها وجود داشت، اما هدف آنها یکی بود یعنی «سر کار آمدن اداره مشروطه برای پایان دادن به اقتدار باب عالی» (Ahmad, 2014: 4). به تعبیر دیویسن، هدف عثمانیان نو سر کار آوردن «مجلس نمایندگان بود که قدرت قانون‌گذاری داشته باشد و بتواند ترمز قوه مجریه را بکشد» (Davison 1963: 223).

عثمانیان نو از جهت تلاش برای آوردن رژیم مشروطه غربی به نسبت اصلاح‌طلبان دوره تنظیمات، غرب‌گراتر بودند، لیکن به دلیل برخی موارد مانند اهداف اسلام‌گرایانه، محافظه‌کار بودند (Tunaya, 1960: 66).^۱ نامق کمال برای مشروعیت بخشیدن به مجلس نمایندگان غربی‌ای که محدودکننده قدرت حکومت باشد، اصول مشورت را مثال می‌زد که در سنت‌های اسلامی و عثمانی وجود داشت. وی

۱ - از میان عثمانیان نو، علی سعاوی به دلیل عدم وجود استناد اسلامی برای تئوری نمایندگی غربی، نگاه مثبتی نسبت به آن نداشت و معتقد بود در نتیجه اجرای شریعت، دموکراسی مستقیماً تحقق خواهد یافت (Mardin, 2000: 381).

عنوان می‌کرد که اصول مشورت شبیه نظام پارلمانی موجود در اروپا بوده و قدیمی‌تر از آن است (Mardin, 2000: 152; Davison, 1963: 226). از طرف دیگر وی مانند دیگر اعضای عثمانیان نو، از تقلید اصلاح‌طلبان دوره تنظیمات از نهادها و سبک زندگی غربی انتقاد کرد. نامق کمال با تاکید بر برتری نهادهای اسلامی، به‌ویژه از برتری نظام حقوقی عثمانی نسبت به نظام حقوقی اروپا سخن گفته و از تقلید این نظام پر اشکال در دوره تنظیمات انتقاد کرد (Namık Kemal, 6 Haziran 1288). ضیاء پاشا نیز از اینکه اسلام به‌عنوان مانعی در مسیر پیشرفت دیده شده و با فراموش کردن دین، ملت از غرب تقلید می‌کردند، انتقاد کرد (Ziya Paşa, 1992: 119-122). همچنین نامق کمال در مقاله خود با عنوان «اتحاد اسلام»^۱ بیان می‌کند که برای موفقیت در برابر ارتش‌های اروپایی می‌بایست بحث‌های مذهبی کنار گذاشته شده و اتحاد اسلامی تشکیل شود (Namık Kemal, 15 Haziran 1288: 1). به‌طور خلاصه اعضای برجسته عثمانیان نو حول محور «اسلام» متحد شده بودند. به اعتقاد آنان با طرد اسلام، جامعه از نظر اخلاقی دچار فساد و این امر نیز منجر به فروپاشی دولت می‌شد.

از سوی دیگر، نهادهای پیشرفته غرب نیز نادیده گرفته نمی‌شوند. نامق کمال در مقاله خود با عنوان «مسئله شرقی» عقب‌ماندگی امپراطوری عثمانی در برابر توسعه غرب را بیان می‌کند: «ما...از شمشیر علیه تفنگ، از تقلب علیه احتیاط، از شعر علیه منطق، از وقوف علیه ترقی، از اختلال علیه نظام، از تفرقه علیه اتحاد، از کاوک^۲ علیه اندیشه استفاده کردیم» (Namık Kemal, 23 Eylül 1288: 1-2). همان‌طور که مشاهده می‌شود، نامق کمال اشاره می‌کند که جنبه‌های تکنولوژی، فکری، اخلاقی و اداری از غرب عقب مانده است.

عثمانیان نو به‌ویژه تحت تأثیر متفکران غربی مانند منتسکیو و روسو قرار گرفت. به نظر لويس (۱۹۶۸: ۱۷۳)، دیدگاه‌های حقوقی مونتهسکیو، دیدگاه‌های سیاسی روسو، دیدگاه‌های اقتصادی اسمیت و ریکاردو مبنای نظری آنها بود. عثمانیان نو به‌ویژه واژه‌های «آزادی»، «ملت» و «وطن» را که محصول انقلاب فرانسه بودند، مکرر به کار می‌بردند و به تناسب ایدئولوژی خود مجدداً بازسازی می‌کردند. آنان برای جلوگیری از جنبش‌های جدایی‌طلبانه و فروپاشی، از وطن‌پرستی عثمانی (عثمانی‌گری) نیز در آثار خود به‌عنوان یک

۱ - مفهوم اتحاد اسلام اولین بار توسط نامق کمال در شماره مورخ ۱۰ مه ۱۸۶۹ روزنامه حریت مورد استفاده قرار گرفته است. سپس در دیگر رسانه‌های عثمانیان جوان و به‌ویژه در روزنامه بصیرت (Basiret) مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است.

عنصر متحدکننده استفاده کرده‌اند (Tunaya, 1960: 66; Namık Kemal, 10 Mart 1288: 1-2). اما می‌توان گفت که آنها بیشتر از عثمانی‌گری، اسلام را به عنوان عنصر متحدکننده برگزیدند. آنان حول محور آزادی، به دفاع از مشروطیت و دولت حقوقی به معنای غربی پرداختند.

جنبش ترکان جوان و شکل انجمن اتحاد و ترقی

عبدالحمید سعی داشت تا از اتحاد سربازان، دیوان‌سالارها و علما جلوگیری کند که از عناصر حکومت عثمانی بودند. علاوه بر سربازان، دیوان‌سالارها و علما، مردم نیز تحت کنترل بودند (Mardin, 2017: 73-74)؛ آزادی مطبوعات و تجمعات نیز عملاً از بین رفته بود. بنا به نقل قول از عبدالرحمن شرف افندی (Abdurrahman Şeref Efendi, 1996: 5-6) مردم برای حفاظت خود از کارآگاهان حتی از تجمع کنار یکدیگر نیز امتناع می‌کردند. با وجود همه این اقدامات احتیاطی، آنها نتوانستند از تشکیل جنبش مشروطه‌خواهان موثر به نام ترکان جوان جلوگیری کنند.

ریشه ترکان جوان به عثمانیان نو می‌رسد. اما تفکرات ترکان جوان حتی به اندازه‌ای عثمانیان نو چارچوب مشخصی نداشت. یکی از دلایل این امر از بین رفتن آزادی اجتماعات بود که باعث می‌شد افراد با عقاید مشابه نتوانند دور هم جمع شوند. اما آنها یک هدف مشترک داشتند که این پایان دادن به استبداد و اعلام مجدد مشروطیت بود. اگرچه بیشتر ترکان جوان بر اساس دیدگاه‌های میزاجی مراد بیگ، احمدرضا، دکتر عبدالله جودت و صباح‌الدین گردهم آمده بودند، اما گروه‌های بسیار دیگری نیز وجود داشت.^۱ در میان گروه‌های تشکیل‌دهنده ترکان جوان ابتدا می‌توان به بقایای عثمانیان نو اشاره کرد. خلیل گانم، یکی از نمایندگان مجلس مبعوثان سوریه در سال ۱۸۷۷ م، یکی از اشخاص ارتباطاتی فکری مهم بین عثمانیان نو و ترکان جوان بود. برنامه کمیته اصلاحات ترکیه و سوریه که توسط گانم مدیریت می‌شد با ترکان جوان اهداف مشترکی همچون تصویب مجدد قانون اساسی و جمع‌آوری پارلمان را داشت. اکثریت ترکان جوان در سایه مکتب ملکیه و مکتب پزشکی و نظامی گرد هم آمدند. میزاجی مراد، دکتر عبدالله جودت، داماد محمود جلال‌الدین پاشا و پسرش صلاح‌الدین بیگ در میان ترکان جوان برجسته ذکر شده‌اند که ایده‌های خود را از طریق انتشارات‌شان در اروپا بیان کردند. در میان ترکان جوان، گسترده‌ترین گروه مخالف سازمان یافته سیاسی، «انجمن اتحاد و ترقی» بود که دکتر عبدالله جودت یکی از بنیان‌گذاران آن بود و زمانی توسط احمدرضا و مراد بیگ رهبری می‌شد. ابراهیم تمو

۱ - برای اسامی برخی از انجمن رجوع کنید به: (Tunaya, 2016: 101).

(۲۰۰۰: ۱۵-۱۳) که اولین رئیس انجمن و از بنیان‌گذاران انجمن اتحاد و ترقی بود این گونه روایت می‌کند که اسحاق سکوتی، دکتر عبدالله جودت و محمت رشید در سال ۱۸۸۹ در باغ بخش مرکز مکتب نظامی پزشکی گردهم آمدند و «انجمن اتحاد عثمانی» را تشکیل دادند. در همان سال، رابطه‌ای با احمد رضا بیگ در پاریس برقرار شد و نام این انجمن به «انجمن اتحاد و ترقی» تغییر یافت. اعضای اولین انجمن ترکان جوان یکدیگر را به صورت کسرهای جزئی خطاب قرار می‌دادند. انجمن آنها همانند انجمن عثمانیان نو بر اساس کاربונاری سازمان یافته بود (Ramsur, 1972: 31). این جنبش به مرور زمان گسترش یافت و نمایندگانی از علما همچون عبیدالله افندی و هجا کادری نیز به آن پیوستند (همان: ۱۷۸). ترکان جوان که دریافتند نمی‌توانند در سرزمین حکومت عثمانی زندگی کنند به شهرهای اروپایی همچون ژنو و پاریس گریختند. آنها در آنجا فرصت پیدا کردند تا افکار و نظرات خود را در قالب مجلات و روزنامه‌هایی ابراز کنند که منتشر می‌کردند. مهم‌ترین ابزار برای ابراز مخالفت ترکان جوان مطبوعات بود. طبق برآورد سلیم نوزهت گرچک، ۱۱۶ روزنامه توسط ترکان جوان در کشورهای مختلف منتشر شد که شامل ۹۵ روزنامه ترک زبان، ۸ عربی، ۱۲ فرانسوی و یک عبری بود (Kuran, 2000: 61).

اعمال انجمن ترکان جوان

به دلیل انتقاد آشکار مراد از استبداد در روزنامه میزان، سلطان برخی از دوستان مراد در استانبول و رهبران گروه‌های مخالف را دستگیر یا تبعید کرد. پس از آن، ترکان جوان برای سرنگونی سلطان در اوت ۱۸۹۶ کودتای دولتی را برنامه‌ریزی کردند. اما این نقشه به سلطان گزارش شد و توطئه‌گران دستگیر و به جای مجازات اعدام به استان‌های دور امپراطوری تبعید شدند. کاظم پاشا رهبر کودتا به عنوان فرماندار آلبانی منصوب شد (Lewis, 1968: 198-199). پادشاه تصمیم گرفت تا با ترکان جوان در تبعید توافق کند و به همین منظور مراد بیگ به استانبول بازگشت. پذیرش پیشنهاد سلطان از سوی مراد ضربه بزرگی به ترکان جوان بود. اسحاق سکوتی و دکتر عبدالله جودت از بنیانگذاران انجمن اتحاد و ترقی عثمانی و تونالی هیلمی، موسس فرقه انحلال عثمانی در سال ۱۸۹۶ در ژنو، شغل‌های دولتی را پذیرفتند. مجله مشورت احمدرضا بار دیگر به ارگان رسانه‌ای ترکان جوان تبدیل شده بود و وی تا زمان انقلاب به عنوان یکی از رهبران ترک جوان باقی ماند.

ترکان جوان به دلیل دو رهبر (احمدرضا و صباح‌الدین) که دیدگاه‌های آنها باهم مطابقت نداشت، دچار اختلاف شدند (Lewis, 1968: 202-205). به منظور اتحاد جنبش ترکان جوان، دو کنگره برگزار شد.

یکی از موضوعاتی که در اولین کنگره (۱۹۰۲) بر سر آن توافق نشد، تحقق انقلاب توسط نیروهای مسلح بود که اسماعیل کمال پیشنهاد داده بود. شاهزاده صباح‌الدین به این موضوع نگاه مثبتی داشت اما احمدرضا طرفدار یک انقلاب مسلحانه نبود، در نتیجه انقلابی اتفاق نیفتاد. برکس (۲۰۰۴: ۳۹۹) علت این امر را «ترس از اینکه تجزیه امپراطوری عثمانی به نفع اروپای غربی، روسیه، آلمان و سایر ملت‌های مسیحی باشد» تشریح می‌کند. مسئله دوم فراهم شدن حمایت از اروپا بود؛ در حالی که احمدرضا با این موضوع مخالفت کرد شاهزاده صباح‌الدین از این پیشنهاد حمایت کرد (Lewis, 1993: 202-203). از این اختلافات در مقابل انجمن اتحاد و ترقی احمدرضا، انجمن «تثبث شخصی و عدم مرکزیت» به رهبری شاهزاده صباح‌الدین متولد شد.

تأسیس گروه‌های کوچک انقلابی در میان افسران از سال ۱۹۰۶ آغاز شد. یکی از این سازمان‌ها «کمیته میهن و آزادی» بود که در سال ۱۹۰۶ در دمشق توسط گروه کوچکی از افسران تأسیس شد که در میان اعضای آن مصطفی کمال پاشا نیز حضور داشت. مهم‌ترین این کمیته‌ها «انجمن آزادی عثمانی» بود که توسط افسران ارتش سوم در سالنیک تأسیس شد. مرکز واقعی سازمان‌دهی‌ها دیگر نه در میان تبعیدیان بلکه در بین افسران مقدونیه و آناتولی بود (همان: ۲۰۴-۲۰۲). در دسامبر سال ۱۹۰۷، انجمن ارمنی داشناک تلاش کرد تا دومین کنگره را برای متحد کردن نیروهای مخالف عبدالحمید برگزار کند. اکثر حزب و کمیته‌های انقلابی عثمانی در دومین کنگره ترکان جوان شرکت کردند. رویدادی که انجمن اتحاد و ترقی را در سال ۱۹۰۸ به حرکت درآورد، جلسه حاکمان روسیه و انگلیس در روال بود. ترکان جوان نتیجه روال را این گونه تفسیر می‌کند که روملیا در داخل کشور تقسیم می‌شود و سلطان با عدم اعزام ارتش، از روملیا دفاع نخواهد کرد. پس از این تاریخ انجمن اتحاد و ترقی حرکت‌های انقلابی خود را آغاز کرد. این قیام بین ارتش و مردم گسترش یافت. انجمن اتحاد و ترقی درخواست سیاسی روشنی را برای استقرار مشروطیت اعلام کرد. پادشاه که قبلاً با رشوه و فشار رهبران ترکان جوان را خنثی کرده بود، سعی کرد تا رهبریت جنبش را از بین ببرد اما این امر ارتش را بیش از پیش خشمگین کرد (Lewis, 1993: 208-209). عبدالحمید دوم ابتدا نظر شیخ‌الاسلام جمال‌الدین افندی را جویا شد که در جواب لزوم اعلام مشروطیت را دریافت کرد. بعداً، او دستور خود را به هیأت ناظران چنین اعلام کرد: «قانون اساسی در زمان من اعلام شد؛ من بنیان‌گذار آن بودم، برای مدتی به حالت تعلیق درآمد، به هیأت ناظران مراجعه کرده، به آنها اعلام کنید که درخواست نوشته شدن پیش‌نویس اعلام مشروطیت را دارم.» بنابراین عبدالحمید دوم مجبور شد سلطنت مشروطه را در سال ۱۹۰۸ اعلام کند.

افکار ترکان جوان

اندیشه‌های غربی به لطف معلمانی چون میزانجی موراد بیگ، رقائی زاده اکرم، عبدالرحمن شرف افندی، صالح افندی به وجود آمد که توسط سایید پاشا به مکتب ملکیه^۱ منصوب شده بودند. دشوار است که بگوییم در بین آنها اتفاق نظر وجود داشت. ماردین (۲۰۰۰: ۵۰-۵۱) تفکرات جدید ملکیه را به دو گروه اثبات‌گرایی و واقع‌گرایی تقسیم می‌کند. دانشجویان پزشکی نیز همانند دکتر عبدالله جودت که از بنیان‌گذاران خط فکری اتحاد و ترقی بود، تفکر ماتریالیسم بیولوژیک^۲ را پذیرفتند. با توجه به اینکه ترکان جوان از طبقات پایین و متوسط بودند و در یک محیط مسلمان بزرگ شده بودند، پذیرش و دفاع از عقاید غربی، مانند ماتریالیسم بیولوژیک از سوی آنها شگفت‌انگیز بود. علت اصلی پذیرش و دفاع از عقاید غربی، نارضایتی و ناامیدی از دوره استبداد بود (Hanioğlu, 1982: 22). ترکان جوان معتقد بودند که کشور بدون علم غربی نمی‌تواند توسعه یابد و زنده بماند. از سوی دیگر، گفتمان آنها بر اساس تفکرات غربی باعث ایجاد فاصله بین آنها و مردم شد. ترکان جوان که انتظاراتشان از مردم برآورده نشده بود، با کاهش گفتمان مثبت‌گرایانه در روزنامه‌ها و مجلات، گفتمان دینی را در پیش گرفتند. ترکان جوان برای خاتمه دادن به رژیم استبداد عبدالحمید، سعی داشتند که ریشه خلافت عبدالحمید که از آن به عنوان ابزاری برای مشروعیت خود استفاده می‌کرد را با شواهدی مبنی بر بی‌عدالتی وی که با اسلام مطابقت نداشت بخشکانند (Tunaya, 2016: 87).

در میان ترکان جوان اختلاف نظر قابل توجهی وجود داشت. مراد بیگ که روزنامه میزان را منتشر می‌کرد مانند عثمانیان نو به صورت مستقیم پادشاه را هدف قرار نمی‌داد. وی با اشاره به اینکه نمایندگان اطراف پادشاه بد بودند، ادعا داشت که با معرفی افراد وطن‌پرست به پادشاه مشکل حل خواهد شد (Mizancı Murad, 1994: 19). وی اعتقاد داشت که این کار نیز نه با یک پارلمان بلکه با یک مجلس مشورت امکان‌پذیر است. وی به دلیل این افکار مورد انتقاد ترکان جوان قرار گرفت (Mardin, 2017: 100). به قول برکس (۲۰۰۴: ۳۹۵)، مراد راه‌حل نجات را در وحدت کل جهان اسلام تحت خلافت عبدالحمید، اجرای اصول مشورت و ایجاد یک رژیم بزرگ مشروطه مسلمان تحت اصول شریعت می‌دانست.

1 - Mekteb-i Mülkiyye

2 - Biological Materialism

احمد رضا که یکی از نام‌های تأثیرگذار در بین ترکان جوان بود، بسیار تحت تأثیر ایده‌های آگوست کنت^۱ قرار گرفت و هنگامی که به پاریس رفت، به عضویت گروه‌های پوزیتیویست در آمد (Ebüzziya, 1989: 124). وی معتقد بود که نجات عثمانی از طریق آموزش خواهد بود. با توضیح الزام اصول مشورت در شریعت به پادشاه و در راستای تفکرات آگوست کنت با اظهار اینکه با نبود قشر متخصص، دانش حکومت کافی نیست سعی داشت تا پادشاه را به این باور برساند که رژیم مشروطه چیز بدی نیست (Ebüzziya, 1989: 124; Mardin, 2017: 184-185). وی همچنین بر اساس دیدگاه‌های کنت اسلام را به‌عنوان عنصری وحدت‌آفرین در نظر گرفت و به دفاع از آن پرداخت (Mardin, 2017: 187-188).

دکتر عبدالله جودت که از پیشگامان انجمن اتحاد و ترقی و از موسسان انجمن اتحاد عثمانی بود، قبل از ورود به دانشگاه پزشکی، واقعیت جامعه و پدیده‌های اجتماعی را از زاویه دید اسلام توجیه می‌کرد، اما پس از ورود به دانشگاه پزشکی، دیدگاه ماتریالیستی بیولوژیکی و اثبات‌گرایی را که در بین دانشجویان گسترده بود، اتخاذ کرد (Hanioglu, 1981: 8-14). وی سعی شد تا رویدادهای اجتماعی با علوم مثبت تبیین شود (همان: ۱۳). در این زمینه، عبدالله جودت تلاش کرد تا با توضیح شباهت‌های ماتریالیستی و اسلام، باسوادان مسلمان را متقاعد کند (Mardin, 2017: 234). به گفته دکتر جودت، تمدن فقط در اروپا وجود داشت و برای داشتن این تمدن باید هم‌زمان جنبه‌های خوب و بد آن را اتخاذ می‌کردند (Abdullah Cevdet, 1911). وی معتقد بود که قبل از پذیرش عقاید غربی باید ذهنیت مردم تغییر کند و معتقد بود که این امر با آموزش حاصل خواهد شد. ماردین (۲۰۱۷: ۲۳۱) اشاره می‌کند که انقلابات آتاتورک، مانند سکولاریزاسیون^۲ در مجله یک ربع قرن پیش، و در مجله دکتر عبدالله جودت (اجتهاد) مورد بحث قرار گرفت (Mardin, 2017: 231).

محمد صباح‌الدین، در برابر انجمن‌های احمد رضا و میزانجی مراد بیگ، یک گروه سوم به نام انجمن تشبث شخصی و عدم مرکزیت (۱۹۰۲) را ایجاد کرد. وی انتشار روزنامه ترقی را در سال ۱۹۰۶ به‌عنوان ارگان رسانه انجمن آغاز کرد (Uçman, 2007: 341). او بسیار تحت تأثیر دیدگاه‌های ادموند دمولینز^۳ قرار گرفت. صباح‌الدین در راستای نظرات دمولینز با سلطه دیوان سالار، در جامعه عثمانی که از دولت مرکزی

1 - Auguste Comte

2 - Secularization

3 - Edmond Demolins

نشأت می‌گرفتند مخالفت کرد (Mardin, 2017: 231). وی اظهار داشت که روشنفکران ترکی با آوردن فناوری به روستاها در زمینه کشاورزی و رهبری روستاییان باعث توسعه اقتصادی می‌شوند و به این ترتیب با جلب اعتماد اروپا به امپراطوری عثمانی مسئله شرق حل خواهد شد (Tunaya, 2016: 91).

تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری و فکری بین عثمانیان نو و ترکان جوان

عثمانیان نو و ترکان جوان که شامل روشنفکران عثمانی بود، اهداف مشترکی مانند نجات امپراطوری عثمانی از بحران اقتصادی، سیاسی و بازگرداندن قدرت سابق عثمانی در برابر اروپا را داشتند. هر دو سازمان راه‌حل را در نظام پارلمانی می‌دیدند. جنبش ترکان جوان که تقریباً ۲۰ سال پس از عثمانیان نو آغاز شده، بخش وسیع‌تری از جامعه را نسبت به جنبش عثمانیان نو در بر می‌گرفت؛ یکی از دلایل این امر البته طولانی بودن جنبش ترک‌های جوان است. دلیل دیگر این است که بسیاری از مخالفانی که به دلیل نارضایتی از دولت گرد هم آمده بودند خود را ترکان جوان می‌نامیدند. ممنوعیت جمع شدن و سانسور مطبوعات توسط عبدالحمید، مانع از اتحاد مخالفان شد.

ساختار تشکیلاتی «عثمانیان نو» و «اتحاد و ترقی» که سازمان ترک جوان است، شبیه یکدیگر هستند. اتحاد و ترقی شکل تشکیلاتی را از عثمانیان نو الگو گرفته و انجمن را بر اساس کاربונاری سازمان یافته ساخته بودند. رهبران ترکان جوان پا جای پای عثمانیان نو گذاشتند و به کشورهای خارجی گریختند و مخالفت خود را از طریق مطبوعات ابراز کردند.

اعضای عثمانیان نو و ترکان جوان از اقشار مختلف اجتماعی بودند. اکثر عثمانیان نو فرزندان بوروکرات‌های عالی رتبه بودند و در مدارس مدرن و خارج از کشور تحصیل کردند. اکثریت آنها در دفتر ترجمه در باب عالی مشغول به کار بودند. اعضای اتحاد و ترقی نیز از طبقه پایین و متوسط اجتماعی بودند و از این رو در محیطی سنتی و مسلمان رشد کرده بودند. دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن آنها از افکار اروپایی، تحصیل آنها در مدارس مدرن است.

تفاوت در موقعیت اجتماعی و پیشینه تحصیلی عثمانیان نو و ترکان جوان و شرایط سیاسی آن دوره باعث شد تا افکار متفاوتی را داشته باشند. به دلیل این که عثمانی در اصلاحات، غرب به‌ویژه فرانسه را الگو قرار می‌داد، عثمانیان نو با فلسفه عصر روشنگری نیز بیگانه نبودند. عثمانیان نو، آثار فیلسوفان عصر روشنگری را خواندند و حتی ترجمه کردند. این امر آنها را قادر ساخت تا با ساختارهای حکومتی، نظام‌های سیاسی و فلسفه کشورهای اروپایی آشنا شوند. آنها تا حدودی موفق شدند این عقاید را با اندیشه اسلامی ترکیب کنند. ترکان جوان، در مدارس مدرن تحت تأثیر اثبات‌گرایی، واقع‌گرایی و

ماتریالیسم بیولوژیک قرار گرفتند. در میان ترکان جوان در ابتدا به جای اسلام، عثمانی‌گری غالب بود. ترکیب اندیشه‌های روشنگری با اندیشه‌های اسلام‌گرایانه آسان‌تر از ترکیب اندیشه‌های پوزیتیویستی و ماتریالیسم بیولوژیک با اسلام بود. ترکان جوان بعداً به جای عثمانی‌گری، پان‌ترکیسم را پذیرفتند. البته ترکان جوان، اسلام را به طور کامل کنار نگذاشتند. احمد رضا بیگ تحت تأثیر کنت در نوشته‌های خود از اسلام دفاع کرد. با این حال، او اسلام را تنها به عنوان یک عنصر وحدت‌بخش در جامعه می‌دید. عبدالله جودت در ابتدا اسلام را نادیده گرفت. به دلیل این که انتظارات آنها از مردم برآورده نشده بود وی تلاش کرد تا با توضیح شباهت‌های ماتریالیستی و اسلام، باسوادان مسلمان را متقاعد کند؛ البته هیچ‌کدام به اندازه نامق کمال موفق نشدند. دیدگاهی که ترکان جوان اتخاذ کردند بر سکولاریسم تأکید داشت و این اندیشه‌ها بسیار دور از امپراطوری عثمانی بود.

اعلام اولین سلطنت مشروطه با توافق شاه و مشروطه‌خواهان صورت گرفت. عثمانیان نو، به استثنای علی سعاوی، اندیشه انقلاب را نپذیرفتند. افسرانی که در مدارس نظامی مدرن تحصیل می‌کردند به جنبش ترکان جوان پیوستند و در نتیجه این جنبش شکل جدیدی گرفت. اعلام دومین سلطنت مشروطه با یک حرکت مسلحانه صورت گرفت.

اینکه عثمانیان نو به عواقب مشروطه فکر نکردند و شروط شاه را برای تصویب قانون اساسی پذیرفتند، باعث شکست نهضت شد. ترکان جوان برای مدیریت دولت افراد با تجربه‌ای نداشتند. این کمبود تجربه بزرگ‌ترین مشکلی بود که اعضای «انجمن اتحاد و ترقی» پس از اعلام مشروطه با آن مواجه شدند. اتحاد و ترقی مجبور بود قدرت را با پاشاهای باب‌عالی تقسیم کنند. با این حال، تضعیف عبدالحمید، نفوذ کشورهای خارجی و بسیج ارتش، اتحاد و ترقی را قادر ساخت تا در فروپاشی امپراطوری عثمانی مؤثر باشد.

نتیجه

نفوذ علم و اندیشه غرب به سرزمین عثمانی، طبقه روشنفکر جدیدی را به وجود آورد. هدف روشنفکرانی که خود را عثمانیان نو می‌نامیدند، ایجاد یک نظام حکومت جدید برای امپراطوری عثمانی بود. اگرچه نهضت امپراطوری عثمانی جدید به عنوان یک سلطنت مشروطه معرفی شد، اما نتوانست به هدف خود برسد. در واقع به طور غیر مستقیم به آغاز دوره جدیدی منجر شد که در آن آزادی‌های دوره خودش نیز از بین رفت. ولی طرف دیگر آنها فرهنگ و ایده سازمان اپوزیسیون را ایجاد کردند که ترکان جوان از آنها الگو و الهام گرفتند.

پس از انحلال عثمانیان نو، روشنفکران دوباره گرد هم آمدند و خواستار سلطنت مشروطه شدند. این روشنفکران کلمه «jön» به معنای جوان را ترجیح دادند، همان‌طور که کشورهای خارجی آنها را «jön» می‌نامیدند. این کلمه تأکید می‌کرد که آنها مانند عثمانیان نو مبتکر هستند. این جامعه روشنفکر مانند عثمانیان نو تحت تأثیر فلسفه غرب بود. با این حال، همان‌طور که در مقایسه مشاهده می‌شود، تأثیر فلسفه غرب بر ترکان جوان بیشتر است. این واقعیت که اختلاف زمانی زیادی بین این دو گروه وجود نداشت و عثمانیان نو اولین طبقه روشنفکری بودند که خواستار مشروطیت بودند، باعث شد ترکان جوان تحت تأثیر عثمانیان نو قرار بگیرند. با وجود این، می‌توان گفت که طبقه روشنفکر دچار دگرگونی بزرگی شد که این دگرگونی بیشتر در زمینه ایدئولوژی مشاهده می‌شود. در مقایسه این دو گروه روشنفکری آشکار می‌شود که دلیل اصلی این دگرگونی اختلاف طبقاتی است. علاوه بر این، تحصیلات و شغل آنها، شرایط سیاسی و اقتصادی از دلایل مهم تمایز این دو گروه روشنفکری است.

بین مردم عادی و گروه‌های روشنفکری فاصله وجود داشت. به‌ویژه عواملی مانند اندیشه‌های غربی، باعث ایجاد حس بیگانگی در مردم نسبت به طبقه روشنفکر شد. کم‌سواد و ناکافی بودن ابزارهای ارتباطی مانع از گسترش افکار غربی در میان طبقات پایین جامعه شد. سرچشمه اندیشه مشروطیت، جامعه نبود. مردم فقط رفاه، نظم و عدالت می‌خواستند. به همین دلیل بود که در زمانی که اولین سلطنت مشروطه در حال پایان یافتن بود، مردم از مجلس محافظت نکردند و پس از مدت کوتاهی، حکومت مشروطه به استبداد تبدیل شد. روشنفکران قادر به درک نقش ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی جغرافیایی بر اندیشه اروپا نبوده و برنامه دقیقی برای دوران پس از مشروطه نداشتند. روشنفکران هر دو گروه نیز ایده‌های اروپایی را به طور کامل، درونی نکرده بودند.

دگرگونی فقط در میان عثمانیان نو و ترکان جوان اتفاق نیفتاد. اضافه شدن افسران به ترکان جوان باعث سومین دگرگونی طبقه روشنفکر در درون ترکان جوان شد. رویدادی که این تحول را به وضوح نشان می‌دهد، انقلاب مسلحانه است. با توجه به محدودیت‌های این مطالعه، تحول طبقه روشنفکر پس از افسران مورد بحث قرار نگرفت. این دگرگونی یکی از دلایل اهمیت یافتن اندیشه پان‌ترکیسم پس از اعلام سلطنت مشروطه است. کمیته اتحاد و ترقی تا زمان تأسیس جمهوری ترکیه مؤثر بوده است. برای پژوهشگرانی که می‌خواهند تأثیر روشنفکران بر تأسیس جمهوری ترکیه را مطالعه کنند، توجه به طبقه روشنفکر پس از مشروطه اهمیت دارد.

فهرست منابع

منابع غیر فارسی

- 1- —(1960). Türkiye'nin Siyasi Hayatında Batılılaşma Hareketleri. İstanbul: Yedigün.
- 2- —(1995). The Young Turks in Opposition. Oxford: Oxford University.
- 3- —(2000). The Genesis of Young Ottoman Thought. New York: Syracuse University Press.
- 4- —. "Mahkemelere Dair Bir Mülâhaza". İbret, 6 Haziran 1288.
- 5- —. "Şark Meselesi I.". İbret, 23 Eylül 1288.
- 6- —. "Vatan". İbret, 10 Mart 1288: 1-2.
- 7- Abdullah Cevdet. (1911). "Şime-i Muhabbet". İçtihat Gazetesi, vol. 89, 1980-84.
- 8- Abdurrahman Şeref Efendi. (1996). Son Vak'anüvis Abdurrahman Şeref Efendi Tarihi-II: Meşrutiyet Olayları (1908-1909). Ed. B. Kodaman ve M. A. Ünal, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- 9- Ahmad, F. (2014). The Young Turks and the Ottoman Nationalities. Salt Lake: The University of Utah Press.
- 10- Berkes, N. (2004). Türkiye'de Çağdaşlaşma. Ed. A. Kuyaş. İstanbul: Yapı Kredi Yayınları.
- 11- Celaleddin Paşa. (1983). Mir'at-ı Hakikat (Tarihi Hakikatların Aynası). Ed. İsmet Miroğlu, Berekat Yayınevi.
- 12- Davison, R. (1963). Reform on the Ottoman Empire 1856-1876. New Jersey: Princeton University Press.
- 13- Ebuzziya Tevfik (1973). Yeni Osmanlılar Tarihi. Ed. Şemsettin Kutlu. İstanbul: Hürriyet Yayınları.
- 14- Ebuzziya Z. (1989). "Ahmed Rıza". Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi. vol. 2, 124-127.
- 15- Hanioglu, Ş. (1981). Bir Siyasal Düşünür Olarak Abdullah Cevdet ve Dönemi. İstanbul: Üçdal Neşriyat.
- 16- İnalçık, H. (1964), "Sened-i İttifak ve Gülhane Hatt-i Hümayûnu". Belleten (Türk Tarih Kurumu) XXVIII, no.112, 603-622.
- 17- Kudret, C. (2000). Abdülhamit Döneminde Sansür I. İstanbul: Cumhuriyet Kitapları.
- 18- Kuran, A. B. (2000). İnkılap Tarihimiz ve Jön Türkler. İstanbul: Kaynak Yayınları.
- 19- Lewis, B. (1968). The Emergence of Modern Turkey. London: Oxford University Press.
- 20- Maarif Vekâleti Milli Talim ve Terbiye Dairesi. (1931). Tarih III: Yeni ve Yakın Zamanlarda Osmanlı-Türk Tarihi. İstanbul: Devlet Matbaası.
- 21- Mahoney, J. and Dietrich R. (2003). Comparative Historical Analysis in the Social Sciences. Cambridge University Press.
- 22- Mardin, Ş. (2017). Jön Türklerin Siyasi Fikirleri 1895-1908. İstanbul: İletişim Yayınları.
- 23- Mizancı Mehmed Murad. (1994). Mücadele-i Milliye, Gurbet ve Avdet Devirleri. Ed. S.Çağın ve F. Sezgin, İstanbul: Nehir Yayınları.
- 24- Namık Kemal. "İttihâd-ı İslâm", İbret, 15 Haziran 1288: 1.
- 25- Przeworski, A. & H. Teune. (2000). Logic of Comparative Social Inquiry. Krieger Pub Co.
- 26- Ragin, C. (2014). The Comparative Method: Moving Beyond Qualitative and Quantitative Strategies. University of California Press.
- 27- Ramsaur, E. (1972). Jön Türkler ve 1908 İhtilali. Translated by N. Ülken. İstanbul: Sander yayınları.
- 28- Shaw, S. (1997). History of the Ottoman Empire and Modern Turkey. Cambridge University Press.

- 29- Skocpol, T. (2004). Devletler ve Toplumsal Devrimler: Fransa, Rusya ve Çin'in Karşılaştırmalı Bir Çözümlemesi. İstanbul: İmge Yayınları.
- 30- Temo, İ. (2000). İbrahim Temo'nun İttihat ve Terakki Annıları. İstanbul: Arba Yayınları.
- 31- Temperley, H. (1963). England and the Near East: The Crimea. Longmans Green.
- 32- Tunaya, T. Z. (2016). Türkiye'de Siyasal Gelişmeler (1876-1938). İstanbul: İstanbul Bilgi Üniversitesi Yayınları.
- 33- Uçman, A. (2007). "Prens Sabahaddin (1878-1948)". TDV İslâm Ansiklopedisi. İstanbul: Türk Diyanet Vakfı, vol. 34, 341-342,
- 34- Ziyâ Paşa. (1992). Tercî-i Bend ve Terkîb-i Bend. Ed. H. Yorulmaz. İstanbul: Çıdam Yayınları.

